

سطح‌شناسی پیوستگی آیات در تفسیر فخر رازی*

محمد بهرامی**

چکیده:

فخر رازی نخستین مفسری است که بیشترین توجه را به بحث پیوستگی آیات داشته و تحولی شگرف از جهت کمی و کیفی در ارتباط میان آیات به وجود آورده است. او سطوح ارتباط را در سه سطح تعریف می‌کند. سطح نخست را در پیوستگی میان بخش‌های مختلف یک آیه می‌بیند. سطح دوم را در پیوستگی آیات یک سوره اعم از آیات همجوار و غیر همجوار می‌داند. و سطح سوم را در پیوستگی میان آیات دو یا چند سوره همجوار و غیر همجوار تعریف می‌کند.

پژوهش پیش رو به روش کتابخانه‌ای و تحلیل و بررسی نظریات تفسیر فخر رازی و مقایسه با دیگر تفاسیر به سامان رسیده و نتیجه آن، بیان انواع سطح‌شناسی در تفسیر فخر رازی و اثبات جایگاه وی در رشد کمی و کیفی دانش پیوستگی آیات و بهره‌گیری از نظریات ایشان است.

کلیدواژه‌ها:

فخر رازی / پیوستگی آیات / ارتباط آیات / تفسیر کبیر / سطح‌سنجی

* تاریخ دریافت: 1394/6/31، تاریخ تأیید: 1394/11/12.

پیوستگی آیات قرآن یکی از دانش‌های مهم قرآنی شناخته می‌شود. این بحث با وجود تأثیرگذاری فراوان در فهم و تفسیر آیات، به‌ندرت مورد توجه تفسیرگران سده‌های نخست تا پیش از فخر رازی قرار گرفته است. در تفاسیر اهل سنت مانند تفسیر مجاهد، ثوری، صنعانی، ابن ابی‌حاتم، سلمی و سمعانی، به‌ندرت ارتباط آیات مطرح شده است، تا آنجا که در تفسیر مجاهد بن جبر، تنها یک روایت ناظر به ارتباط میان بیست آیه نخست سوره بقره وجود دارد. بر اساس این روایت، بیست آیه نخست سوره بقره در مقام توصیف است؛ با این تفاوت که چهار آیه نخست در توصیف اهل ایمان است، دو آیه بعدی در توصیف کافران و چهارده آیه دیگر در توصیف منافقان می‌باشد (مجاهد، 69/1).

در تفاسیر شیعه نیز بحث پیوستگی آیات قرآن اولاً بسیار کم‌رنگ و ثانیاً بیشتر ناظر به آیات همجوار آمده است. در صورتی که در تفسیر فخر رازی، اولاً پیوستگی آیات بسیار مورد توجه قرار گرفته است، و ثانیاً ارتباط آیات در سطوح گوناگونی مطرح شده است. برای نمونه، ابوحمزه ثمالی، عیاشی و کوفی، از تفسیرنویسان برجسته شیعه، هیچ گونه توجهی به بحث پیوستگی آیات ندارند و توجه شیخ طوسی و در مرحله‌ای بالاتر، توجه مرحوم طبرسی به پیوستگی میان آیات اولاً درخور انتظار نیست، و ثانیاً تنها ارتباط آیات همجوار مورد بحث قرار گرفته است.

قرآن‌پژوهان پیش از فخر رازی نیز توجه قابل قبولی به بحث پیوستگی ارتباط آیات نداشته و تنها در سده چهارم، ابوبکر نیشابوری، پیوستگی آیات را به‌صورت مستقل به بحث و بررسی می‌گیرد و پس از او، ابن العربی مالکی در سده ششم، پیوستگی آیات را به بحث می‌نشیند و آن را دانشی عظیم معرفی می‌کند (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، 288/2).

در برابر این بی‌توجهی گسترده، فخر رازی در سده ششم هجری تحولی شگرف از جهت کمی و کیفی در بحث پیوستگی آیات به‌وجود می‌آورد. او که به‌شدت از بی‌توجهی به بحث ارتباط آیات شکوه می‌کرد و وضعیت یاد شده را درخور پذیرش نمی‌دانست،¹ کوشش بسیاری در برقراری ارتباط میان آیات به عمل می‌آورد، تا آنجا که



قرآن پژوه برجسته‌ای چون سیوطی، از سرآمدی فخر رازی در بحث پیوستگی آیات سخن می‌گوید و از بی‌توجهی دیگر تفسیرگران به بحث ارتباط آیات گلایه می‌کند (همان، 369/3)

پژوهش‌های گسترده فخر رازی در بحث پیوستگی آیات، حرکتی فراگیر در جهان اسلام را موجب شد و قرآن‌پژوهان و مفسران بزرگی، پیوستگی آیات را به صورت تخصصی به بحث و بررسی گرفتند. برای نمونه، عبدالواحد زملکانی از مفسران برجسته سده هفتم، تفسیر «بهاية التأمیل فی اسرار التنزیل» خویش را بر اساس پیوستگی آیات به پایان رساند. چنان‌که ابن ابی الاصبغ در کتاب «بدائع القرآن و الكواكب الدرية فی نظم القواعد الدینیة»، ابن نقیب بلخی در تفسیر «لتحریر والتحبیر»، ابن زبیر غرناطی در کتاب «لبرهان فی مناسبة ترتیب سور القرآن»، بدرالدین زرکشی در کتاب ارزشمند «لبرهان فی علوم القرآن» و ... بحث پیوستگی آیات را از مباحث پراهمیت قرآن شناخته و درباره آن بسیار سخن می‌گویند.²

بنابراین با توجه به نقش برجسته فخر رازی در رشد و بالندگی بحث ارتباط میان آیات و نبود اثری مستقل در نگاه فخر رازی به پیوستگی آیات قرآن، شایسته است در این نوشتار، پیوستگی آیات در نگاه فخر رازی به بحث و بررسی گذاشته شود و نقش ایشان در رشد کمی و کیفی ارتباط میان آیات برجسته گردد.

پیوستگی آیات در تفسیر فخر رازی

فخر رازی در تفسیر گرانسنگ خویش، ارتباط میان آیات را از وجوه اعجاز قرآن می‌بیند و از این رو، کوشش بسیار در برقراری ارتباط میان آیات قرآن می‌کند. به باور وی، مرتبط ندیدن آیات قرآن راه را برای مدعیان تحریف قرآن هموار می‌کند و ایشان به استناد همین نارتباطی میان آیات، تحریف آیات را نتیجه می‌گیرد. فخر رازی برای اثبات مدعای خویش، به ناحق، پیشینیان از روافض را معتقد به تحریف می‌خواند و بر این باور است که ایشان از عدم ارتباط آیه شریفه ﴿لَا تُحَرِّكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ﴾ (قیامه/16) با آیات قبل، تحریف قرآن را نتیجه گرفته‌اند (فخر رازی، 222/30).

وی در تفسیر خویش، پیوستگی آیات را از جهات مختلفی به بحث و بررسی می‌نشیند که یکی از آن مباحث، سطح‌سنجی پیوستگی آیات، دومی فواید نظریه پیوستگی آیات و سومی، انواع پیوستگی در آیات وحی می‌باشد. بر این اساس در این نوشتار، سطح‌سنجی پیوستگی آیات به بحث گذاشته می‌شود و در آینده، موضوعات دیگری که مورد توجه فخر رازی قرار گرفته است، مورد توجه قرار می‌گیرد.

سطح‌سنجی پیوستگی آیات

در سده‌های نخست اسلام تا قرن ششم، بحث ارتباط آیات در پایین‌ترین سطح صورت می‌گرفت. در این دوره به نسبت طولانی، تفسیرگران انگشت‌شماری که ارتباط میان آیات را به بحث می‌گرفتند، بیشتر ارتباط آیات همجوار را مد نظر داشته و هیچ‌گاه دامنه بحث را به سطوح دیگر ارتباط، مانند ارتباط بخش‌های مختلف یک آیه، ارتباط آیات غیر همجوار و ارتباط میان آیات دو سوره نمی‌کشاندند. برای نمونه، شیخ طوسی و مرحوم طبرسی، از تفسیرنویسان بلندآوازه شیعه در سده پنجم و ششم، پیوستگی آیات همجوار را مورد توجه قرار می‌دادند و به‌ندرت سطوح دیگر ارتباط را به بحث و بررسی می‌نشستند؛ چنان‌که تفسیرنویسان اهل سنت نیز ارتباط را در آیات همجوار دنبال می‌کردند.

در برابر این شمار از مفسران، فخر رازی به سطح‌بندی ارتباط آیات پرداخت و ارتباط میان آیات را بسیار گسترده‌تر از مفسران پیشین تعریف کرد.³ او پایین‌ترین سطح پیوستگی را در ارتباط میان بخش‌های مختلف یک آیه و بالاترین سطح ارتباط را پیوستگی آیات سوره‌های مختلف قرار داد. برخی از سطوح ارتباط میان آیات در نگاه فخر رازی بدین قرار است.

سطح نخست: پیوستگی میان بخش‌های مختلف یک آیه

فخر رازی پایین‌ترین سطح ارتباط را در پیوستگی میان بخش‌های مختلف یک آیه می‌بیند. بر این اساس، در جای‌جای تفسیر خویش، ارتباط میان قسمت‌های مختلف یک آیه به بحث و بررسی گذاشته می‌شود.



نمونه نخست

فخر رازی دو عبارت «اتَّقُوا رَبَّكُمْ» و «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» از آیه شریفه زیر را به یکدیگر پیوسته دیده،⁴ تعلیل عبارت اول به دوم را نشانه این پیوستگی معرفی کرده و خویشتن را ناگزیر از بیان ارتباط میان دو فراز آیه می‌بیند. به باور وی، عبارت دوم از دو قید (قید آفرینش ما و قید آفرینش ما از نفس واحده) شکل گرفته و هر دو قید در وجوب تقوا اثرگذار هستند (فخر رازی، 153/9).

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ (نساء/1).

ارزیابی

هرچند برخی از تفسیرگران قرآن مانند قمی (130/1)، شریف رضی (308)، ابن ابی‌الزمینین (344/1)، سلمی (130/1) و بغوی (389/1)، پیوستگی دو فراز یاد شده را آشکار دیده و هیچ نیازی به بیان پیوستگی نمی‌بینند و شماری دیگر مانند شیخ طوسی (99/3)، ابن ادریس حلی (154) و فیض کاشانی (413/1)، تنها از داعی بودن آفرینش برای تقوا می‌گویند و طبری پیوستگی را از نوع توصیفی می‌بیند (296/4)، اما هیچ یک از مفسران قرآن مانند فخر رازی، شکل پیوستگی را توضیح نمی‌دهد و نسبت میان آفرینش و تقوا را مانند فخر رازی تبیین نمی‌کند.

نمونه دوم

نویسنده التفسیر الکبیر، دو عبارت «ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ» و «يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ» در آیه شریفه زیر را پیوسته و در راستای دفع شبهه پدیداری شب و روز به حرکت خورشید و ماه می‌داند.⁵

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَيْثُ وَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ (اعراف/54).

فخر رازی خورشید را دارای دو حرکت می‌داند: حرکت نخست را ذاتی خورشید دانسته و بر این باور است که این حرکت یک سال زمان می‌برد و همان حرکت، معیار

تعیین سال است، و حرکت دوم حرکتی است که خورشید به تبع حرکت فلک اعظم دارد و یک روز طول می‌کشد. به باور فخر رازی، حرکت خورشید و ماه و دیگر کواکب که کند و از غرب به شرق است، متأثر از حرکت فلک اعظم از شرق به غرب می‌شود و در نتیجه خداوند برای دفع شبهه پدیداری شب و روز به خورشید و ماه، جمله دوم را به جمله اول پیوند می‌دهد تا مخاطب قرآن، پدیداری شب و روز را به حرکت عرش که همان فلک اعظم است، نسبت دهد، نه به خورشید و ماه (120-118/14).

ارزیابی

تقریر فخر رازی از پیوستگی دو فراز آیه یاد شده، نشان از دقت و دانش ایشان در تفسیر آیات وحی و بیان پیوستگی آیات دارد؛ به‌خصوص با توجه به اینکه مفسران چند سده نخست اسلام و حتی هم‌عصران فخر رازی، چنین تبیینی از پیوستگی ندارند. اما با وجود این، تقریر فخر رازی از پیوستگی دو فراز یاد شده با دانش جدید سازگار نیست. در علم جدید، پیدایش شب و روز نه از حرکت خورشید و ماه نشأت می‌گیرد، و نه مستند به عرش می‌گردد، بلکه به حرکت زمین به دور خود نسبت داده می‌شود. زمین در حرکت وضعی به دور خودش وقتی در برابر خورشید قرار می‌گیرد، نیم‌کره زمین روز می‌شود و نیم‌کره دیگر شب و در ادامه حرکت زمین، نیم‌کره دیگر روز می‌شود و نیم‌کره دیگر شب. افزون بر این، ظاهر آیه شریفه نیز برابر با مدعای فخر رازی نمی‌باشد، بلکه برابر با یافته‌های علمی جدید است. چه اینکه اولاً آیه شریفه از حرکت زمین خبر می‌دهد، و ثانیاً از حرکت زمین به دور خودش (که در حقیقت همان حرکت تاریکی به‌سوی روشنایی است) حکایت دارد. افزون بر موارد یاد شده، فخر رازی در تفسیر آیه 37 انبیاء و 36 عنکبوت نیز ارتباط بخش‌های مختلف آیه را بیان می‌دارد (171/22 و 63/25).

سطح دوم: ارتباط میان آیات یک سوره

دومین سطح پیوستگی آیات در تفسیر فخر رازی، ارتباط میان آیات یک سوره است. فخر رازی با دسته‌بندی آیات، هر سوره قرآن را دارای یک یا چند موضوع کلی



دانسته و در نتیجه، میان آیات هر سوره، ارتباط مفهومی در موضوع کلی و جزئی می‌بیند. برخی از شکل‌های مختلف ارتباط آیات یک سوره عبارتند از:

الف) ارتباط میان آیات همجوار

یکی از انواع ارتباط در آیات یک سوره، پیوستگی آیات همجوار است که به چند نمونه اشاره می‌شود.

نمونه اول

فخر رازی سه آیه شریفه زیر را در ارتباط با یکدیگر می‌بیند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرِمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ*
وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ* لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي
أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَدْتُمُ الْإِيمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ
أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَخْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ
وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (مائده/87-89).

او صدر آیه سوم را در ارتباط با دو آیه پیشین دیده و در این باره می‌نویسد:

«صدر آیه سوم پاسخ پرسش گروهی از صحابه است که رهبانیت پیشه کرده و قسم یاد کرده بودند و آن‌گاه که پیامبر ایشان را از رهبانیت منع کرد، گفتند: سوگند خویش را چه کنیم؟» (73/12)

ارزیابی

پیوستگی آیات یاد شده هر چند به صورت صریح و روشن از سوی بسیاری از مفسران مانند شیخ طوسی (12/4)، مرحوم طبرسی (مجمع البیان، 408/3)، ابوالفتح رازی (122/7)، فتح الله کاشانی (309/3) و ثعلبی (102/4) بیان نشده است، اما می‌توان از سبب نزولی که برخی مفسران برای آیه سوم بیان می‌کنند، پیوستگی را نتیجه گرفت؛ هر چند سبب نزولی که برخی دیگر از مفسران بیان می‌کنند، به پیوستگی صدر آیه سوم و آیات دوم و سوم نمی‌انجامد. بنابراین پیوستگی مورد نظر فخر رازی برآمده از صدر آیه سوم و آیات اول و دوم نیست، چه اینکه قسم در آیه سوم در هیچ یک از دو آیه

قبل بیان نشده است. بنابراین پیوستگی میان آیات با یک واسطه صورت گرفته است که آن واسطه، سبب نزولی است که برخی برای آیه نخست بیان داشته‌اند. در صورتی که برخی مفسران، سبب نزول خاصی برای آیه سوم بیان می‌کنند که هیچ تناسبی با آیات اول و دوم نداشته (ابن ابی حاتم، 409/2) و به هیچ روی اشاره به پیوستگی آیات ندارد.

نمونه دوم

فخر رازی میان سه آیه زیر ارتباط می‌بیند:

﴿ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَىٰ * وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَىٰ * الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِنْتِمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِنَّكُمْ أُجْنَتَةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اتَّقَىٰ﴾ (نجم/32-30).

به باور فخر رازی، عبارت ﴿هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِنَّكُمْ أُجْنَتَةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اتَّقَىٰ﴾ از آیه سوم به سه شکل مختلف با دو آیه دیگر پیوستگی دارد.

شکل نخست آن است که این فراز از آیه شریفه تقریر علم خداوند در آیه نخست (هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ) معرفی شود.

شکل دوم آنکه نه بیان علم خداوند در آیه نخست، بلکه بیان تقدیر هدایت و گمراهی در آیه نخست (هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَى) باشد. شکل سوم آن است که تأکید و بیان جزای عبارت در آیه دوم (لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا) شناخته گردد (9/29).

فخر رازی در این مورد نیز مانند بسیاری از موارد دیگر، تنها احتمالات گوناگون را یاد می‌کند و از انتخاب یک نظریه و سنجش و ارزیابی دیگر احتمالات خودداری می‌کند. اما برخی اسباب نزول که در متون تفسیری آمده است، بیشتر با شکل دوم از پیوستگی همخوانی دارد؛ مانند سبب نزولی که سیوطی آورده است (الدر المثور، 128/5؛ لباب القول، 184).



در برابر فخر رازی، شماری از تفسیرگران قرآن تنها آیه سوم را با آیه اول پیوسته دیده و تنها از احتمال نخست فخر رازی سخن می‌گویند و هیچ اشاره‌ای به دو احتمال دیگر ندارند (مغنیه، 179/7؛ طبری، 91/27؛ بیضاوی 160/5).

پیوستگی موضوعی آیات همجوار در نگاه فخر رازی به گونه‌ای شدید و عمیق است که ایشان قرار گرفتن جملات ناسازگار با موضوع دو آیه همجوار را مانع ارتباط ندیده و به شکلی از قرار گرفتن این گونه جملات دفاع می‌کند.

برای نمونه، قرار گرفتن عبارت «وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ...» در آیات زیر را مانع ارتباط صدر آیه نخست و تمام آیه دوم نمی‌بیند (111/6):

﴿الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ* فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ (بقره/229-230)

فخر رازی صدر آیه نخست تا اول «وَلَا يَحِلُّ» و تمام آیه دوم را در مورد طلاق رجعی می‌داند و به این جهت، پیوستگی میان آنها را مسلم می‌گیرد و از عبارت «وَلَا يَحِلُّ» تا آخر آیه نخست را در مورد طلاق خلع می‌شناسد و در سبب قرار گرفتن عبارت یاد شده میان صدر آیه و تمام آیه دوم می‌نویسد:

«السبب أن الرجعة و الخلع لا يصحان إلا قبل الطلقة الثالثة، أما بعدها فلا يبقى شيء من ذلك: فهذا السبب ذكر الله حكم الرجعة، ثم أتبعه بحكم الخلع، ثم ذكر بعد الكل حكم الطلقة الثالثة لأنها كالخاتمة لجميع الأحكام المعتبرة في هذا الباب.» (111/6)

ب) پیوستگی آیات غیر همجوار

در نگاه فخر رازی، پیوستگی آیات یک سوره به آیات همجوار محدود نمانده و در تمامی آیات سوره، اعم از همجوار و غیر همجوار جاری است. برای نمونه، در تفسیر سوره بقره، تمامی آیات (همجوار و غیر همجوار) را در ارتباط با یکدیگر دیده و به دسته‌بندی و گروه‌بندی آیات پرداخته و از ارتباط هر یک از بخش‌های سوره بقره پرده

برمی‌دارد. فخر رازی افزون بر برقراری پیوند میان تمامی آیات همجوار سوره بقره، آیات غیر همجوار این سوره را نیز با یکدیگر پیوسته دیده و به زیبایی، پیوستگی آیات را مطرح می‌کند. برای نمونه، آیات 83-87 بقره را با آیات 49-65 آن در ارتباط با یکدیگر می‌بیند. آیات 83-87 را ادامه بیان نعمت‌های خداوند بر بنی‌اسرائیل می‌داند که از آیه 49 تا آیه 65 بیان شده بود. همچنین آیات 142-154 بقره را در ارتباط با آیه 135 بقره می‌شناسد. آیه 135 را در بیان شبهه نخست مخالفان می‌داند و آیه 142 تا 154 را در بیان شبهه دوم آنها.

ارزیابی و نقد

شمار درخور توجهی از تفسیرگران قرآن، پیوستگی تمامی آیات سوره بقره را با توجه به پراکندگی موضوعی این سوره باور ندارند و افزون بر این، فخر رازی نیز در جای‌جای تفسیر سوره بقره، به سختی و به بهانه‌های مختلف، میان آیات پیوند برقرار می‌کند و در نهایت نیز از برقراری پیوستگی کلی که نشان از موضوعی واحد در سوره بقره داشته باشد، ناتوان می‌نماید. فخر رازی سوره بقره را دارای موضوعات مختلف می‌بیند و به اعتبار این نگاه، میان آیات همجوار و غیر همجوار این سوره پیوستگی می‌بیند، اما این پیوستگی به شکلی نیست که در نهایت به هدف واحد برسد و سوره بقره را دارای موضوع واحد نشان دهد.

سطح سوم: پیوستگی آیات دو یا چند سوره

سطح دیگر پیوستگی آیات در تفسیر فخر رازی، ارتباط آیات دو سوره است. این سطح از پیوستگی به دو گونه مختلف صورت می‌پذیرد.

الف) پیوستگی میان آیات دو سوره همجوار

فخر رازی در جای‌جای تفسیر خویش، پیوستگی میان آیات دو سوره را مطرح می‌کند. او پیوستگی آیات دو سوره همجوار را بیشتر در تفسیر سوره‌های کوتاه قرآن به بحث و بررسی نشسته و برای این پیوستگی، سطوح مختلفی بیان می‌دارد. برخی از مهم‌ترین آن سطوح عبارتند از:



1. پیوستگی آیات نخست دو سوره

در برخی موارد، فخر رازی پیوستگی دو سوره را در آیات نخستین دو سوره می‌بیند. برای نمونه، پیوستگی دو سوره الرحمن و قمر را در صورتی که علم در آیه شریفه ﴿عَلَّمَ الْقُرْآنَ﴾ (الرحمن/2) به معنای علامت و نشانه باشد، در شروع آیات به معجزه می‌داند؛ با این تفاوت که شروع سوره قمر با معجزه شق القمر است و شروع سوره الرحمن با معجزه قرآن (82/29).

نمونه دوم، پیوستگی دو سوره ذاریات و طور در شروع این دو سوره به قسم و بیان حشر است (239/28).

ارزیابی

پیوستگی یاد شده میان صدر دو سوره الرحمن و قمر تنها در صورتی برقرار است که تعلیم در آیه شریفه مجاز و به معنای علامت و نشانه باشد، در صورتی که اولاً در روایات (بحرانی، 229/5) و ثانیاً در کلام مفسران، تعلیم به معنای حقیقی آمده است و معنای مجازی مورد پذیرش مفسران نیست (طوسی، 462/9؛ طبرسی، مجمع البیان، 327/9). ثالثاً خود فخر رازی تعلیم را به معنای حقیقی و مفعول دوم آن را انسان می‌داند (فخر رازی، 84/29).

در مورد پیوستگی دو سوره ذاریات و طور باید گفت اولاً این پیوستگی تنها میان آیات نخست دو سوره است، نه تمامی آیات آنها، ثانیاً اگر قرار باشد پیوستگی آیات با این معیار صورت بگیرد، در این صورت میان تمامی سوره‌های قرآن پیوستگی وجود خواهد داشت؛ چه اینکه به هر حال واژگان مشترک میان سوره‌های قرآن بسیار است.

2 پیوستگی آیات نخستین یک سوره و آیات پایانی سوره دیگر

در برخی موارد، فخر رازی بر خلاف دیگر مفسران قرآن که هیچ گونه پیوندی میان دو سوره همجوار نمی‌بینند، دو سوره را پیوسته با هم معرفی می‌کند. برای نمونه، دو سوره لقمان و روم را پیوسته می‌بیند. وی هفت آیه نخست سوره لقمان و سه آیه پایانی سوره روم را در مورد معجزه قرآن و ایمان نیاوردن به قرآن معرفی می‌کند (139/25).

نمونه دوم، پیوستگی دو سوره مطفین و انفطار را در آیات نخست مطفین و آیات پایانی سوره انفطار می‌بیند. آیات آخر سوره انفطار در مورد قیامت و تهدید نهفته در آن است و آیات نخست سوره مطفین، تهدید کم‌فروشی است (87/31).

3. پیوستگی آیات میانی دو سوره

فخر رازی در تعدادی از موارد، آیات میانی دو سوره را مورد توجه قرار می‌دهد و استوار بر موضوع مشترک دو سوره، از پیوستگی دو سوره سخن می‌گوید. برای نمونه، اظهار هیبت در تکرار عبارت ﴿فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرِي﴾ در سوره قمر و اظهار رحمت در تکرار عبارت ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ در سوره الرحمن را عامل پیوستگی دو سوره می‌شناسد (82/29).

وی همچنین پیوستگی میان سوره منافقون و جمعه را در تکذیب قلبی و لسانی پیامبر در سوره جمعه و تکذیب قلبی و تصدیق لسانی در سوره منافقون می‌داند (12/30).

ارزیابی

به‌رغم تلاش فخر رازی جهت ایجاد پیوند میان دو سوره، اما باید گفت در تمامی نمونه‌های یاد شده، پیوستگی میان بخش‌هایی از سوره‌هاست و بنابراین نمی‌توان به‌صرف پیوستگی قسمت‌هایی از سوره‌ها، مدعی پیوستگی تمامی سوره شد.

ب) پیوستگی آیات دو سوره غیر همجوار

پیوستگی آیات در تفسیر فخر رازی به پیوند آیات دو سوره همجوار محدود نمانده و نویسنده، پیوستگی آیات را در تمام بخش‌های مختلف قرآن، چه سوره‌های متصل و چه منفصل برقرار می‌بیند. برای نمونه، وی آیات زیر را پیوسته دیده و همگی را در مقام اثبات ید برای خداوند می‌خواند:

﴿بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ﴾ (مائده/64)

﴿يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾ (فتح/10)

﴿قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدِي﴾ (ص/75)

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا﴾ (یس/71).



در آیه نخست تنها اثبات ید شده، بی‌آنکه از تعداد آن سخن گفته شود. در آیه دوم و سوم از دو ید و در آیه چهارم از «ایدی» سخن گفته شده است (42/12).

همچنین وی معتقد است دو آیه شریفه زیر پیوسته می‌باشند:

﴿وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ﴾ (انعام/52)، ﴿وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾ (الرحمن/27)

به باور فخر رازی، دو آیه یاد شده با وجود قرار گرفتن در دو سوره مختلف، با یکدیگر پیوسته بوده و به این جهت از سوی مجسمه برای اثبات جسمانیت خدا مورد استفاده قرار گرفته است (236/12).

نتیجه‌گیری

فخر رازی در تعمیق و گسترش بحث پیوستگی آیات قرآن و به‌خصوص ارتباط آیات در سطوح مختلف قرآن بسیار نقش‌آفرین بود. پیش از وی، مفسران انگشت‌شماری که پیوستگی آیات قرآن را مطرح می‌ساختند، تنها از ارتباط میان آیات همجوار سخن می‌گفتند و پیوستگی میان آیات غیر همجوار و سوره‌ها را مورد توجه قرار نمی‌دادند. فخر رازی بر خلاف این گروه، تمامی آیات قرآن را با یکدیگر در ارتباط می‌دید و سطوح متفاوتی برای ارتباط آیات بیان می‌داشت.

سطح نخست پیوستگی آیات در نگاه فخر رازی، ارتباط بخش‌های مختلف یک آیه است. سطح دوم ارتباط میان آیات یک سوره، اعم از آیات همجوار و غیر همجوار می‌باشد. و سطح سوم، پیوستگی میان آیات دو یا چند سوره است؛ اعم از آنکه همجوار باشند یا غیر همجوار.

پی‌نوشت‌ها

1. «و من تأمل فی لطائف نظم هذه السورة و فی بدائع ترتیبها علم أن القرآن كما أنه معجز بحسب فصاحة ألفاظه و شرف معانیه، فهو أيضاً معجز بحسب ترتیبه و نظم آیاته و لعل الذین قالوا: إنه معجز بحسب أسلوبه أرادوا ذلك إلا أنى رأیت جمهور المفسرین معرضین عن هذه اللطائف غیر متنبهین لهذه الأمور» (فخر رازی، 138/7).

2. فخر رازی بحث پیوستگی آیات را بر مبنای خاصی استوار می‌داند. یکی از مهم‌ترین مبانی وی، نظم آیات قرآن به‌عنوان یکی از وجوه اعجاز قرآن است. به باور ایشان، قرآن بر خلاف متون بشری، از پراکنده‌گویی مبراست و آیات قرآن با یک چینش خاصی در کنار یکدیگر قرار گرفته و نظم قرآن را شکل داده‌اند. وی می‌نویسد: «توجه به ظرافت نظم آیات سوره بقره و بدایعی که در این سوره به کار رفته است، نشان می‌دهد که قرآن چنان که از جهت فصاحت و بلاغت معجزه است، از جهت ترتیب و نظم آیات نیز معجزه می‌باشد» (فخر رازی، 138/7).

مبنای دوم فخر رازی در ارتباط میان آیات، اعتقاد ایشان به توقیفی بودن ترتیب آیات و سوره‌های قرآن است. وی مانند بسیاری از مفسران و قرآن‌پژوهان، ترتیب آیات سوره را توقیفی می‌داند و مرتب‌سازی آیات از سوی صحابه را پذیرا نیست.

3. توجه گسترده و جدی فخر رازی به پیوستگی آیات ممکن است به دو جهت انجام شده جهت نخست آنکه فخر رازی ارتباط میان آیات را از وجوه اعجاز قرآن می‌دانسته و با طرح گسترده پیوستگی آیات، در صدد اثبات اعجاز قرآن از جهت پیوستگی آیات بوده است. جهت دوم آنکه وی بحث در مورد ارتباط آیات را لازمه ضروری تفسیر درست آیات می‌شناخته است.

4. در صورتی که مفسران دیگری چون طبری (296/4)، ابوحاتم رازی (852/3)، ابن‌ابی‌زمین (344/1)، شیخ طوسی (100/3) و مرحوم طبرسی (مجمع البیان، 8/3) هیچ اشاره‌ای به ارتباط این دو بخش از آیه شریفه نداشته و تفصیل مرحوم طبرسی نیز هر چند به شکلی از ارتباط که بیشتر اجمال و تفصیل است اشاره دارد، اما مانند فخر رازی رابطه علت و معلولی نیست.

5. در تفسیر این آیه شریفه نیز مفسران برجسته‌ای چون شیخ طوسی و مرحوم طبرسی هیچ اشاره‌ای به ارتباط میان دو فراز آیه یاد شده ندارند؛ چنان‌که تفسیرنویسان برجسته اهل سنت



مانند طبری، ابوحاتم رازی، ابوليث سمرقندی، ثعلبی و واحدی نیشابوری نه اشاره‌ای به ارتباط دارند و نه وجه ارتباط را بیان می‌دارند.

منابع و مأخذ

1. ابن ابی‌زمین، محمد بن عبدالله؛ تفسیر ابن ابی‌زمین، قاهره، الفاروق الحدیثه، 1423ق.
2. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو؛ تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار المعرفه، 1412ق.
3. ابوحمزه ثمالی، ثابت بن دینار؛ تفسیر القرآن الکریم، بیروت، دار المفید، 1420ق.
4. بحرانی، سید هاشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، 1416ق.
5. بغوی، حسین بن مسعود؛ معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، 1420ق.
6. بیضاوی، عبدالله بن عمر؛ انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1418ق.
7. ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم؛ الكشف و البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1422ق.
8. ثوری، سفیان بن سعید؛ تفسیر سفیان الثوری، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1403ق.
9. حلّی، ابن ادیس؛ المنتخب من تفسیر القرآن، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1409ق.
10. رازی، ابوالفتوح؛ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، 1371ش.
11. رازی، فخرالدین محمد بن عمر؛ مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1420ق.
12. سلمی، محمد بن حسین؛ حقائق التفسیر، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1421ق.
13. سمرقندی، ابواللیث نصر بن محمد؛ تفسیر السمرقندی، بیروت، دار الفکر، بی‌تا.
14. سمعانی، منصور بن محمد؛ تفسیر القرآن، ریاض، دار الوطن، 1418ق.
15. سیوطی، جلال الدین؛ الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دار الفکر، 1416ق.
16. _____؛ الدر المنثور فی التفسیر المأثور، بیروت، دار المعرفه، بی‌تا.
17. _____؛ لباب النقول، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی‌تا.

18. شریف رضی، محمد بن حسین؛ حقائق التأویل، بیروت، دار المهاجر، بی تا.
19. صنعانی، عبدالرزاق؛ تفسیر القرآن، ریاض، مکتبه الرشد و التوزیع، 1419ق.
20. طبرسی، فضل بن حسن؛ تفسیر جوامع الجامع، قم، انتشارات جامعه مدرسین، 1418ق.
21. _____؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، اعلمی، 1415ق.
22. طبری، محمد بن جریر؛ جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت، دار الفکر، 1415ق.
23. طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1409ق.
24. عیاشی، محمد بن مسعود؛ کتاب التفسیر، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه، 1380ق.
25. فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم؛ تفسیر فرات الکوفی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، 1410ق.
26. فیض کاشانی، ملا محسن؛ تفسیر الصافی، تهران، صدر، 1415ق.
27. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، 1368ش.
28. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر قمی، قم، دار الکتب، 1367ش.
29. مجاهد بن جبر؛ تفسیر مجاهد، اسلام آباد، مجمع البحوث الاسلامیه، بی تا.
30. مغنیه، محمد جواد، التفسیر الکاشف، بیروت، دار العلم، 1981م.